

تربیون دانشجویی

فعالان دانشجویی چقدر مخاطبان خود را می‌شناسند؟

اولین مسئله در انجام هر نوع فعالیت سیاسی- اجتماعی فراگیر، مخاطب‌شناسی دقیق، روز آمد و مبتنی بر واقعیات است. از این منظر، تشکل‌های دانشجویی انقلابی به عنوان فراگیرترین نهادهای خودخوش‌حاضر در صحن دانشگاه‌ها، لازم است همواره به صورت واقعی تصویر روشنی از نیازها، اعتقادات، دیدگاه‌ها و علاقه‌مندی‌های جامعه دانشگاهی کسب کنند.داشتن چنین تصویر کلان وفراگیری از واقعیات موجود در اتمسفر دانشگاه، علاوه بر آنکه می‌تواند بسیاری از اولویت‌های فعالان دانشجویی را تغییر دهد، از هدر رفت انرژی‌های مترامک موجود در این تشکل‌ها جلوگیری خواهد کرد و آنها را به نوعی بلوغ عملیاتی خواهد رساند. در مقابل، درک نکردن نیازهای مخاطب می‌تواند باعث راهبر دونویسی اشتباه، ترسیم خطوط قرمز تصنعی، خلط کردن مسائل فرعی و اصلی و نهایتاً ائتلاف وقت و انرژی فعالان دانشجویی باشد.
اعلام نتایج نظر سنجی اخیر وزارت علوم درباره اعتقادات دینی دانشجویان کشور واجد نکات قابل تأملی در همین زمینه است.
فضل‌الله ابرجی کجوری، مدیر کل امور فرهنگی وزارت علوم شهریور ماه سال جاری در همین زمینه گفته است: «بر اساس نظر سنجی‌ها در وزارت علوم ۷۲درصد از دانشجویان احکام دینی و فریضه نماز را به جا می‌آورند و ۹۰درصد نیز اعتقادات دینی دارند. ولی در بخش دیگری از سخنان خود تصریح می‌کند: «هر یکی از پرسش‌های نظر سنجی، مشخص شد ۷۴درصد دانشجویان نمازهای واجب و بومیه خود را ایجا می‌آورند و حتی باور دانشجویان به نماز بیشتر از این در صد است. در پرسش دیگری، درباره «ضعیت اعتقاد دانشجویان به نماز به‌عنوان یک عامل پیشرفت» پرسیده شده بود که بیش از ۹۲درصد دانشجویان چنین اعتقادی دارند.»

بر توکل به خداوند در عرصه‌های زندگی اعتقاد دارند و اعتقاد به قرآن کریم در بین دانشجویان حداکثری است. ابرجی کجوری می‌گوید: «اعتقاد به معاد در بین ۹۱درصد از دانشجویان دیده می‌شود و ۹۲درصد از آنها فکر می‌کنند که باید زندگی خوبی داشت و مبری از گناه بود تا در دنیا و آخرت به رستگاری دست یافت.»
نکته قابل تأمل سخنان مدیر کل فرهنگی وزارت علوم آنجاست که تأکید می‌کند: «بر اساس نظر سنجی صورت گرفته، وضعیت دین در بین دانشجویان معدل بهتری نسبت به دینداری در جامعه دارد.» سؤال این است که دیدگاه فعالان دانشجویی حاضر در متن دانشگاه‌ها و حتی اساتید انقلابی دانشگاه‌ها، چقدر با واقعیات مطرح شده در متن نظرسنجی مذکور منطبق است؟ و سؤال دیگر اینکه فعالان دانشجویی در تعریف اولویت‌ها، خط قرمزها و اقدامات عملیاتی خود چقدر با توجه به این واقعیات، تصمیم می‌گیرند؟
تعریف دانشگاه به عنوان پایگاه اصلی اکتشار شبه‌روشنفکر، دین گرین و دل‌بسته ارزش‌های لائیسنتیه، سال‌هاست که خط اصلی جریان رسانه‌ای شبه‌روشنفکر خارج از دانشگاه بوده است. پروپاگاندایی که به نظر می‌رسد در شکل‌دهی به تصویر عمومی دلبستگیان جبهه انقلاب اسلامی از دانشگاه‌هم‌ب‌ی تأثیر نبوده‌است.
حالا نظرسنجی انجام شده سوی وزارت علوم دولت حسن روحانی نشان می‌دهد چنین ادعایی چیزی جز فریب و نیرنگ نیست.
نگاهی به واقعیات متن داشگاه‌انیز به سادگی می‌تواند همان نتایج نظر سنجی را پیش روی مخاطب قرار دهد. با این وجود محاصر ه ذهن‌ها در دام تبلیغات رسانه‌ای شبه‌روشنفکران نمی‌گذارد. واقعیاتی چون رشد مکرر آمار اعتکاف دانشجویی، رشد آمار دانشجویان شرکت‌کننده در دوی راهیان نور، اردوهای جهادی، عتبات و عمره دانشگاهیان دیده شوند. مسائلی که طبیعتاً دیده‌نشدن آنها می‌تواند یک فعال دانشجویی را به تبع پر و پاگاندای رسانه‌ای شبه‌روشنفکران، در غربتی تصنعی و دروغین در فضای دانشگاه قرار دهد.
روشن است که اولویت‌ها، اقدامات، موضعگیری‌ها، ارتباطات و خط‌مشی‌نویسی یک تشکل و فعال دانشجویی انقلابی در چنین فضایی، بسیاری‌بار ارتباط با نیازها، واقعیات و ذائقه مخاطب در کف دانشگاه خواهد بود. مسئله‌ای که می‌تواند فرآیند ارتباط‌گیری مؤثر تشکل‌های دانشجویی با مخاطب دانشجو را دچار اختلال کرده و باعث دفع دانشجویان از این تشکل‌ها شود. در چنین فضایی، فعال دانشجویی محیط دانشگاه، امساعد فعالیت فرهنگی نمی‌بیند و احتمالاً به تدریج از بدنه عمومی دانشجویان فاصله گرفته، به عزلت گزیند در دفتر تشکل به همراه چند نفر دیگر مثل خود پناه خواهد برد.
چنین می‌شود که حفظ وضع موجود و تلاش برای بقا، جایگزین جوشندگی، زایش و رشد مداوم تشکل شده، فعال دانشجویی خودخواسته در محیطی ایزوله قرار خواهد گرفت. در آن صورت راهبر د جذب حداکثری، دفع حداقلی به فراموشی سپرده شده و فرضاً ورود افراد شل حجابت‌بر به تشکل نیز باید تدرید نگریسته می‌شود. این در حالی است که رهبر فرزانه انقلاب همواره یکی از کاربویزهای تشکل‌های دانشجویی را گسترش دایره مخاطبان دانسته و

در همین زمینه می‌فرماند: «اینکه من می‌گویم ۴۰درصد رای‌باید جذب کنیم، یعنی همین جمعیت‌های دانشجویی که الان هستند، اینها باید خوب کار کنند تا بتوانند حداقل ۴۰درصد دانشجویان را جذب کنند. من عقیده‌ام این است که آنها کم‌کاری دارند، والا اگر کم‌کاری نداشتند، واقعاً ۴۰درصد دانشجویان، بلکه بیشتر دانشجویان را جذب می‌کردند. کم‌کاری، گاهی کسب‌لیکنی و گاهی قصور، موجب می‌شود که این کار انجام نگردد.»
طبیعتاً بزرگ‌ترین مانعی که می‌تواند باعث بروز کم‌کاری، قصور و کسب‌لیکنی یک تشکل دانشجویی انقلابی باشد، درک کاصحیح‌ها و واقعیات‌های متن دانشگاه خواهد بود. واقعیت این است که محیط دانشگاه برای فعالیت‌سیاسی- فرهنگی بسیار مهم‌تر از محیط عمومی جامعه است. وانگهی، با ذات فعالیت در این محیط می‌تواند تمامی بخش‌های اجتماع دیده‌شود، همه اینها تنها در صورتی جامه عمل خواهد پوشید که فعالان دانشجویی درک صحیحی از واقعیات موجود در متن محیط دانشگاه داشته باشند تا در شناختن و پیمودن راه دستخوش اشتباه محاسباتی نشوند.
اشتباه محاسباتی در تحلیل فضای جامعه مخاطب، بعضاً می‌تواند تبعات به مراتب سهمگین‌تری از عدم فعالیت داشته باشد و باعث وواج بدبینی به دین، انقلاب و ارزش‌های اسلامی توسط یک تشکل انقلابی شود و این همان چیزی است که دشمن به دنبال آن است!

کلام رهبر



مسئولان باید در دانشگاه‌ها حاضر شوند

از مطالب دیگری که گفته شده، مسئله حضور مسئولان در دانشگاه است. این اشکال کاملاً وارد است. من عقیده‌ام این است که مسئولان باید در دانشگاه‌ها شرکت کنند؛ رؤسای سه قوه، مسئولان میانی، رئیس صدا و سیما، مسئولان سپاه و نیروهای مسلح؛ اینها بروند با دانشجویها جلسه بگذارند و حرف‌های گفتنی دانشجویها را بشنوند و من به شما عرض یکم؛ آنها هم برای دانشجویها حرف‌های گفتنی زیادی دارند. هیچ چیزی جای این گفت‌وگوی رو در رو و چهره به چهره را نمی‌گیرد؛ همانی که سنت قدیمی روحانیون ما بوده که بنشینند روی منبر، با مردم چهره به چهره حرف بزنند. در این کار، یک اثر ی هست. حالا آن خواهران راجع به تأثیرات الکترومغناطیسی گفتند؛ هیچ بُعدی ندارد که تأثیرات الکترومغناطیسی انسان به انسان و چهره به چهره در این دیدارها وجود داشته باشد. این کار تأثیر دارد هم آنها می‌شنوند، هم می‌شنوایند. خیلی از مطالب، ابهام‌ها و سؤال‌هایی که امروز در ذهن نسل جوان ما در جریان است، در توضیحات مسئولان، این سؤال‌ها پاسخ داده خواهد شد؛ ابهام‌ها و گر‌ها باز خواهد شد. من آن وقتی که توانایی جسمی بیشتری داشتم، زیادتر در دانشگاه‌ها شرکت می‌کردم؛

اما و اگرهای رونق ازدواج‌های دانشجویی



گزارش یک

در سال‌های اخیر مسئولان جوانان را به امر ازدواج تشویق می‌کنند. مسلمانان باید تمهییج و تشویق یک نکته مثبت است اما باید این نکته در نظر داشت که در حال حاضر بخش اعظمی از جوانان کشور که سن مناسب ازدواج دارند در حال تحصیل در مقاطع مختلف آموزش عالی هستند و دانشجو محسوب می‌شوند ولی متأسفانه به‌غم تشویق و تهییج جوانان به ازدواج و نیاز کشور به ازدواج جوانان، اریط برای ازدواج جوانان و مخصوصاً دانشجویان فراهم نیست.

گزارش ۲

رسالت فراموش شده دانشگاه در برابر فجایع میانمار



در رده‌بندی نهاد‌های مسئول در زمینه راهبری افکار عمومی جهان در بستر تحولات بین‌المللی، مسردم ما شاید کمترین نقش‌آفرینی را برای دانشگاه قائل می‌شوند. در ذهنیت اجتماعی ما، دانشگاه جایی است که تنها باید در آن به تحصیل پرداخت و در یک‌زمینه خاص، متخصص‌شند. در این مسیر، تأثیر‌گذاری بر تحولات جاری بین‌المللی توسط یک‌نهاد دانشگاهی یا دانشگاه‌بنیاد، ظاهر آن‌ه دغدغه دانشگاهیان است و نه مطالبه افکار عمومی. این در حالی است که اکنون دیپلماسی عمومی در رده پیشروترین سطح دیپلماسی موجود در عرصه بین‌الملل مطرح شده، نهاد‌های دانشگاه بنیاد، مراکز افکار سنجی دانشگاهی و اساتید دانشگاه شناخته‌شده در سطح جهان، نقش مهمی در راهبردنمایی تحولات عرصه بین‌الملل ایفا می‌کنند. نهاد دانشگاه در ایران، ظاهراً آمیالی به نقش‌آفرینی در این عرصه ندارد و تکلیفی در این حوزه احساس نمی‌کند. ■ ■ ■

نتیجه روشن چنین رکودی نیز انفعال در برابر رخدادهای دنیای بیرون از دانشگاه و سطح بین‌الملل خواهد بود. چنین است که دیپلماسی کسی توقع تأثیر‌گذاری مراکز دانشگاهی کشور در برابر فاجعه‌ای چون کشتار مسلمانان میانمار را ندارد که دانشگاهیان نیز تنها چشم به وزارت امور خارجه، جمعیت هلال‌احمر و دیگر نهادهای رسمی دولتی می‌دوزند. همه اینها در حالی است که‌اولا به گفته امام‌آحل(ره)، دانشگاه باید مبدأ تمامی تحولات باشد و ثانیاً به گفته بنیانگذار انقلاب اسلامی، انقلاب به‌عنوان اقدام حداقلی دیگری در همین زمینه نیز نیست. چنین است که مردم جهان بیش از آنکه مؤسسات راهبری‌کننده فعال در ایران را بشناسند، با افراد معروف و مؤثر ایرانی آشنا هستند. ورای انفعال اساتید دانشگاه در این حوزه، تشکل‌های دانشجویی مسلمان نیز متأسفانه کمتر و کمتر به تأثیر‌گذاری در سطح بین‌الملل فکر می‌کنند. ظاهراً انتشار بیانیه‌های فارسی‌زبان یا برگزاری تجمعات دانشجویی در داخل کشور، نهایتاً اقدامات تمهید‌شده در این حوزه‌هاست. ظاهراً ما قصد کرده‌ایم ارزش‌های جهانی انقلاب اسلامی را در مرزهای ایران حبس کنیم؛‌باری می‌عملی نخبگان دانشگاهی در این حوزه را نیز ظاهراً رهبر فرزانه انقلاب به دوش می‌کشد.

دانشگاه

در دانشگاه شرکت کنیم... من الان هم از همین‌جا به مسئولان سفارش می‌کنم که در جلسات دانشجویی شرکت کنند؛ بایبند، بشنوند از دانشجویها و بگویند به دانشجویها از جمله مطالبی که گفته شد، مسئله سایت‌ها و وبلاگ‌ها و پر‌خوردی است که در محیط دانشجویی باینها می‌شود. من اتفاقاً اخیراً یک گزارش‌ری در این زمینه خواستم، و دریافت هم کردم. البته قوفضائیه قاعدتاً استدلال‌هایی دارد، که اگر چنانچه بایبند در جلسات جوان‌ها و دانشجویها شرکت کنند و بشنوند و بگویند، احتمالاً بعضی از سؤال‌ها پاسخ داده خواهد شد؛ لیکن من هم عقیده‌ام همین است که در قبال اظهار نظر احياناً قدری

تند یک جوان دانشجو خیلی نباید حساسیت وجود داشته باشد. فرق است بین آن کسی که با نظام مخالف است، بانظام معارض است. قصد دشمنی دارد، قصد عناد دارد، با آن کسی که نه، از روی احساسات یک مطلبی را بیان می‌کند و ولی ممکن است آن مطلب درست نباشد، یا آن نحوه بیان کردن را هم من نپسندم.

۱۶مرداد ماه ۱۳۹۱

منبع: روزنامه جوان شماره ۵۲۰۲

دانشگاه‌ها به‌عنوان مراکز اصلی تولید علم و پژوهش در کشور، نقش محوری در توسعه و پیشرفت علمی و پیشرفت‌های خوبی نیز داشته‌ایم. به عنوان نمونه ما در زمینه سلول‌های بنیادی یا هوافضا و... از شرایط خوبی برخورداریم.

اما اگر از دیدگاه علوم انسانی و اجتماعی به توسعه علمی بنگریم، وضعیت خوبی نداریم، در عرض چهار دهه گذشته تولید علمی و پیشرفت‌های علمی ما در زمینه‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی و هر چه به این دانش‌ها مربوط است، خیلی ناچیز بوده است.

یکی از علل این مسئله این است که ما در علوم انسانی و اجتماعی هنوز به‌سطورهای قبلی خود به شدت پایبندیم و دیدگاهی انتقادی نسبت به آن نداریم، یعنی بر خلاف آنچه

به ما گفته می‌شد به «ما قائل» توجه کنیم و نه به «من قائل»، بر عکس ما بیشتر آن شخص و شخصیت بر ما سیطره دارد. این نبود دیدگاه انتقادی متشکل بزرگی است. به‌عنوان نمونه خط قرمز ما این بوده که یک اندیشمند اسطوره‌ای یک سخنی را گفته و پس از این نباید خیلی او را نقد کرد.

نکته دوم اینکه ما در علوم انسانی هنوز شیوه‌ها و روش‌های جدید پژوهشی را به کار نمی‌گیریم، یعنی سعی ما بر این است که بیشتر بر اساس همان دیدگاه‌های پوزیتیویستی مسائل را

تفسیر کنیم.
ما اگر هم وارد دیدگاه‌های دیگری می‌شویم، یکسره دنبال توصیف بوده و دنبال تفسیر، تأویل و خلق مفهومی جدید نیستیم. این مسئله به‌جهت استفاده از روش‌های کهنه است.

مسئله بعدی که دانشجویان در امر ازدواج با آن درگیر هستند و یک مانع بزرگ برای سر و سامان گرفتن شان محسوب می‌شود، مسئله مسکن است. در حال حاضر دانشگاه‌ها بیشترین تمرکز خود راوری توسعه و ساخت خوابگاه‌های مجردی گذاشته‌اند و کمتر پیش می‌آید که طرحی برای توسعه خوابگاه‌های متأهلی یا تأمین مسکن حداقلی برای دانشجویان متأهل داشته باشند و این موضوع یکی از دلایلی است که دانشجویان مجرد کمتر به سمت ازدواج می‌روند.

توجه به موارد مطرح شده مسئولان کشور در صورتی که واقعا تمایل به گسترش ازدواج میان جوانان داشته باشند، باید فراتر از شعار عمل

کنند و به‌سازم اقدامات عملی بروند. این اقدامات می‌تواند در کوتاه‌مدت در حوزه‌های حرفه‌ای ساختن خدمت‌سربازی، ارتباط مؤثر دانشگاه با صنعت و تغییر شیوه آموزش‌ها برای گسترش کارآفرینی و در آخر تأمین مسکن و گسترش خوابگاه‌های متأهلی باشد.

نگارش دو نامه پی‌درپی خطاب به جوانان اروپا و امریکای شمالی، در همین حوزه قابل فهم است. به بیانی دیگر، نخبگان دانشگاهی که باید وظیفه خود را در ارتباط‌گیری با این اقصاار تعریف می‌کرده‌اند، مگر در این زمینه کوتاهی کرده‌اند، بنابراین در جریان کشتار فجیع مسلمانان میانمار نیز غالب واکنش‌های مؤثر به حادنه، از سوی رهبر فرزانه انقلاب و دیگر مقامات رسمی مسئول در همین حوزه انجام می‌شود تا محکومیت چنین فاجعه هولناکی نیز بیشتر صیغه‌ای حاکمیتی به خود بگیرد و مخاطب خارجی درک صحیحی از دیدگاه‌های نخبگان دانشگاهی ایرانی در این زمینه در دست نداشته باشد. فردگرایی و محدود شدن به مرزهای داخلی، دردی بنهان و بی‌صدا در بدنه جامعه دانشگاهی کشور و اساتید مبرز این حوزه است. دردی که تنها می‌تواند در جریان فجایعی چون میانمار و انفعال دانشگاهیان در مسیر تأثیر‌گذاری بر آن خود را نشان دهد.

همزمان با کشتار فجیع انسان‌های بیگانه و بی‌پناه، تنها به فکر حل معادلات درجه سه یا تفکر پیرامون جیستی دولت در اندیشه افلاطون باشیم!
تقصیر نبود تعریف‌بسنتری برای تأثیر‌گذاری دانشگاهیان آنکه متوجه‌هر کسی باشد، متوجه خود دانشگاهیان است. دانشگاهیانی که بلدنیستند تشکلیاتی باشند، با هم کار کنند و چپانی فکر کنند. ما باید خودمان را قانع کنیم تا فعالیت ویتربنی در این زمینه به سمت فعالیتنی واقعی در جهان خارج حرکت کنیم. انتشار بیانیه‌های فزبان تشکل‌های دانشجویی در محکومیت چنین فجایعی اگر چه خوب است، ولی کافی نیست؛ اینگونه اقدامات ممکن است حس‌رفع تکلیف‌رادر برخی ایجاد نماید، با این حال تکلیف واقعی، بدون شک چیز دیگری است که باید به انتشار بیانیه و تجمیع اعتراضی مقابل دفتر سازمان ملل در تهران اضافه‌شود. تکلیفی که برای انجام آن باید قوت‌آثیر‌گذاری بر آن خود را نشان دهد.
ظاهرابی عملی مکرر دانشگاه در این حوزه آنقدر طی سال‌های طولانی تکرار شده است که مطالب مردم جهان به‌مرزهای داخلی، دردی بنهان و بی‌صدا در بدنه جامعه دانشگاهی کشور و اساتید مبرز این حوزه است. دردی که تنها می‌تواند در جریان فجایعی چون میانمار و انفعال دانشگاهیان در مسیر تأثیر‌گذاری بر آن خود را نشان دهد.
ظاهرابی عملی مکرر دانشگاه در این حوزه آنقدر متأسفانه کمتر و کمتر به تأثیر‌گذاری در سطح بین‌الملل فکر می‌کنند. ظاهراً انتشار بیانیه‌های فارسی‌زبان یا برگزاری تجمعات دانشجویی در داخل کشور، نهایتاً اقدامات تمهید‌شده در این حوزه‌هاست. ظاهراً ما قصد کرده‌ایم ارزش‌های جهانی انقلاب اسلامی را در مرزهای ایران حبس کنیم؛‌باری می‌عملی نخبگان دانشگاهی در این حوزه روشن است که خدای حسینی(ع) نمی‌پسندد ما

حرف استاد

نبود دیدگاه انتقادی عامل رکود علوم انسانی



دکتر مرتضی منشلادی عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

نبوده و بر این اساس علوم تجربی، انسانی و اجتماعی را دسته‌بندی می‌کند.

بنابراین وقتی ما از دیدگاه علوم تجربی بنگریم یا پوزیتیویستی به پیشرفت علم در کشور نگاه کنیم، وضعیت کشور مناسب و غرورآفرین است و پیشرفت‌های خوبی نیز داشته‌ایم. به عنوان نمونه ما در زمینه سلول‌های بنیادی یا هوافضا و... از شرایط خوبی برخورداریم.

اما اگر از دیدگاه علوم انسانی و اجتماعی به توسعه علمی بنگریم، وضعیت خوبی نداریم، در عرض چهار دهه گذشته تولید علمی و پیشرفت‌های علمی ما در زمینه‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی و هر چه به این دانش‌ها مربوط است، خیلی ناچیز بوده است.

یکی از علل این مسئله این است که ما در علوم انسانی و اجتماعی هنوز به‌سطورهای قبلی خود به شدت پایبندیم و دیدگاهی انتقادی نسبت به آن نداریم، یعنی بر خلاف آنچه

به ما گفته می‌شد به «ما قائل» توجه کنیم و نه به «من قائل»، بر عکس ما بیشتر آن شخص و شخصیت بر ما سیطره دارد.

این نبود دیدگاه انتقادی متشکل بزرگی است. به‌عنوان نمونه خط قرمز ما این بوده که یک اندیشمند اسطوره‌ای یک سخنی را گفته و پس از این نباید خیلی او را نقد کرد.

نکته دوم اینکه ما در علوم انسانی هنوز شیوه‌ها و روش‌های جدید پژوهشی را به کار نمی‌گیریم، یعنی سعی ما بر این است که بیشتر بر اساس همان دیدگاه‌های پوزیتیویستی مسائل را

تفسیر کنیم.
ما اگر هم وارد دیدگاه‌های دیگری می‌شویم، یکسره دنبال توصیف بوده و دنبال تفسیر، تأویل و خلق مفهومی جدید نیستیم. این مسئله به‌جهت استفاده از روش‌های کهنه است.

روایت دانشجویی

من پشت درم

«چرا در بسته است؟» این را زرب‌زیر گفت؛ البته نه آنقدر آرام. حداقل خودش صدای خودش را شنید. در سفید‌لکزه قدیمی خوابگاه که از خودش بلندتر بود و پهن‌تر. هر چه قدر در زد، کسی جوابش را نداد: «االله...»

بای‌بی حالی همراه با ناله‌ای که از فرط خستگی کشیده، روی نیم‌پله جلوی در ورودی نشست. کیف دستی‌اش از روی شانه‌اش سر‌پید روی زمین. اهمیتی نداد. سسرش را کج کرد سمت چپ‌دانش: «کاش نمیومدم.»

دستت کرد توی کیف روی زمین افتاده و تلفن همراهش را در آورد. بلیت اتوبوس هم با گوشی از کیفش در آمد. نگاهی کرد. می‌اتوبوس خالی و مسافران اندکشی فکر کرد. باید همان وقت می‌فهمید که این آمدن فایده‌ای ندارد... اما اگر استاد بیاید و غیبت در کند... ما آن هم با اخلاق بد...»

اسم عاطفه را پیدا کرد و شماره‌اش را گرفت. «بسته است» صدای آن طرف گوشی شاید مثل همه گوشی‌های تلفن همراه، آنقدر آهسته بود که کسی نمی‌شنید، اما صدای پراز آه و جمله «بسته است» ملیح‌ع را آنها که از کنارش رد می‌شدند واضح شنیدند و نگاهی کردند و بی‌آنکه کاری از دستشان برآید گذشتند.

عاطفه از آن‌ور خط گفت که امشب را می‌تواند منزل آنها بماند، اما ملیحه تمایلی نداشت، باید برای این ماجرا چاره‌ای به در‌دیخور پیدا می‌کرد؛ شاید این آخرین بار ماندن پشت در بسته نباشد.

به مسئول خوابگاه هم زنگ زد اما جوابی نگرفت. بلند شد، آهسته و خمیده با یک دستش دسته بلند چمدان قهوه‌ای رنگ و رو رفته‌ای را که معلوم بود سرجه‌ای مادرش بوده گرفت، با آن یکی دستش هم کیف‌دستی مجاله‌شده روی کف زمین را روی شانه‌اش انداخت.

راننده تاکسی هم مثل عاطفه معتقد بود آمدنش همان شب چهاردهم تعطیلات عید بیهوده بوده است: «تا پوزن‌دهم شوژن‌دهم همه جا تعطیل‌ه دختر جان. یک بلند میشه بیاد سر کلاس درس بعد اینهمه بخور و بخواب.»

راست می‌گفت، توی شهر به این بزرگی و با آن همه جمعیت انگار برنده بر نمی‌زد. تا سه تهران را می‌شد عرض نیم ساعت رفت و بر گشت.

راننده خوبی بود. خودش هم دختر دانشجو داشت. ملیحه را به یکی دو تا مسافر خانه مطمئن برد تا بلکه بتواند شب را به سلامت سحر کند، اما اتاق دادن به دختری تنها کاری نبود که بشود به راحتی انجامش داد. یک دختر دانشجوی شب ۱۴ فروردین، تنها در این شهر در نداشت.

رنگ صفحه گوشی ملیحه از بس که زنگ خورده بود تاویز یک شده بود؛ شارژش داشت تمام می‌شد. یا باید جواب پدر را می‌داد که با بعصیانیت مدام می‌گفت: «چقدر گفتم نرو، همه‌جا تعطیل‌ه» یا جواب مادر را که «شب برو خونه دوست خاله‌ت... من چیکار کنیم با تو دختر ک زبون نفهم.»

آخر سر هم همان حرف مادر شد؛ نه کسی از خوابگاه جواب تماس‌های مکرر ملیحه را داد و نه مسافر‌خانه‌چی‌ای پیدا شد که به یک دختر تنها اتاق بدهد، اما راننده بی‌حرف و بی‌جدل یا به رکاب بود تا بلکه ملیحه شب بی‌جا و مکان نماند.

به در خانه دوست خاله‌اش که رسیدند هم منتظر ایستاد تا ببینند مسیر و مقصد را درست آمده‌ان یا نه، پول زیادی هم نخواست. گفت: «همه‌ان من؛ عیدی‌ات.»